

عنوان مقاله:

تاملی در اقسام علل ناقصه: رویکرد انتقادی برحصرگروی علل اربعه

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش های هستی شناختی، دوره 2، شماره 3 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

سید مصطفی موسوی اعظم - دانشجوی مقطع دکتری، رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

خلاصه مقاله:

تلقى مشهور از علل ناقصه همان علل چهارگانه ارسطویی است. اما برخی متفکران افزون بر علل چهارگانه، علل دیگری چون معد، شرط و عدم مانع را از زمره علل ناقصه بر شمرده اند. برخی بر علیت معد، شرط و عدم مانع به عنوان علت ناقصه، دلایلی را ذکر میکنند. مقاله میکوشد نشان دهد از آنجا که معد قابل انفکاک از معلول است نمیتوان آن را به عنوان علت در نظر گرفت؛ چرا که علت و معلول بدون یکدیگر قابل فرض نیستند. از سوی دیگر قائلان به حصر عقلی علل اربعه شرط و عدم مانع را بازگشت به علت فاعلی یا علت مادی میدهند؛ چراکه یا متمم فاعلاند و یا قابل، و نمیتوان آنها را به عنوانعلل مستقل در کنار علل اربعه در نظر داشت. اما از آنجا که اساساً استقلال علی در علل ناقصه امکان پذیر نیست؛ نمیتوان این مبنا را پذیرفت. در ثانی علت غائی به عنوان یکی از علل اربعه، نقشی جزء متممیتفاعل ندارد و بر این اساس نمیتوان آن را به عنوان قسمی از علل ناقصه دانست. اشکال دیگر بر علیت «عدم مانع» آن است که امر عدمی نمیتواند بر امر وجودی تاثیر گذار باشد؛ اما از آنجا که «عدم مانع» بازگشت به امر وجودی دارد، میتواند آن را در کنار شرط به عنوان یکی از اقسام علل ناقصه برشمرد.

کلمات کلیدی:

علیت، توقف، مدخلیت، علت ناقصه، معد، شرط، عدم مانع

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/334982>

